



# نگرشی بر استقلال قوه مقننه در تعامل با نهادهای سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۷/۱۵)

سحر ملک\*<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

سید قاسم میر نبی\*\*

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

فخرالدین رضی پور\*\*\*

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

## چکیده

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای «استقلال قوا» در اصل ۵۷ قانون اساسی استوار است دارای مدلی خاص و منحصر به فرد از ارتباط میان قوای حکومتی است. در این میان، قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) به عنوان یکی از قوای حاکم در کشور، متصدی سه کارکرد مهم یعنی قانونگذاری، تفسیر قوانین عادی و اعمال نظارت بر حسن اجرای قانون است. و این قوه در کنار رئیس جمهور منتخب مردم و شوراهای محلی، یکی از مظاهر اصلی تبلور اصل ششم قانون اساسی است. به دنبال کاوش آسیب شناسانه در ساختار و عملکرد قوه مقننه، روابط آن با قوا و نهادهای سیاسی دیگر و چگونگی ایفای صلاحیت های آن، برخی ضعف ها و محدودیت هایی وجود دارد که توجه به آنها راهکار مفیدی برای افزایش کارایی درجه استقلال این قوه محسوب می شود. و یکی از بنیادی ترین ایراد وارده در این خصوص، در کنار فقدان تعریف روشن و جامع و عدم تعیین دقیق ساختار و اجزای آن، عدم صراحت کافی در تعیین الگوی تفکیک قوا و در نتیجه، تعیین جایگاه و نقش این قوه به خصوص در ارتباط و تعامل با قوای دیگر می باشد.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، قوه مقننه، استقلال قوا، نهادهای سیاسی، قانونگذاری

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول